

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

احمد پویان

۱۳ دسمبر ۲۰۱۷

آهنگ انحراف، سجد و خیانت زیر نام "ساما"

۱

در آوان اشغال افغانستان توسط ارتش امپریالیسم لجام گسیخته امریکا و متحدان آن، عده ای از افراد انگشت شمار در رده های بالای سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" تحلیل ها و افکاری را در قبال اوضاع سیاسی افغانستان مطرح نمودند که در مغایرت اساسی با خط پایه ئی فکری - سیاسی "ساما" قرار گرفته و به مجرد بیان و ارائه آن، رفقای پایبند به آن خط، با ارائه افکار بیان شده آن ها در تقابل قرار گرفته و نظر ایشان را عدول از خط اصولی سازمان دانسته و به عنوان "طرح تسلیم طلبانه" آن را رد نمودند.

ارائه کنندگان چنین افکاری، بعد از به قدرت رسیدن طالبان به شکل غیرمستقیم و حاشیه ئی به نحوی افکار اپورتونیستی خود را به طور ضعیف و نامشهود بیان می داشتند. و بنا بر جو نامساعد و مناسب ندیدن اوضاع، نمی توانستند پرچم تسلیم طلبانه خویش را به شکل عریان برافرازند. اما بعد از اشغال کشور ما توسط امریکا و متحدان آن و خاصتاً رابطه گیری با نماینده های کشور های اشغالگر ذی علاقه به قضایای افغانستان و پذیرش طرح ها و دساتیر آن ها، افکار تسلیم طلبانه خود را به طور علنی بیان نمودند و در این زمینه پرسش هائی از اعضای سازمان - پیرامون اشغال افغانستان و همکاری دسته بندی های ارتجاعی و تکنوکرات های دیسانت شده از غرب و راه های بیرون رفت از آن - را مطرح می نمودند. تسلیم طلبان در زمینه اظهار می داشتند که اکنون امپریالیسم در کشور ما در یک تخاصم خونین با تروریسم به خصوص بعد از وقوع حادثه یازدهم سپتمبر قرار گرفته است و جامعه جهانی نیز در راستای این تخاصم، ما را کمک می کند.

در ادامه بیانات خود می افزودند: "فئودالیسم که از چندین قرن بدین طرف سد راه پیشرفت و ترقی کشور ما قرار گرفته بود و بهترین مبارزین ما را کمرشکن نموده است، اکنون که امپریالیسم امریکا و متحدان آن می خواهند به ضربه زدن فئودالیسم اقدام نمایند، کار خوبی است و ما از آن استقبال می نمائیم و در این راستا با جامعه جهانی [سیستم امپریالیستی] وجه مشترک احراز می داریم." در ادامه سوالات و بحث ها، می افزودند: به وجود آمدن سرمایه داری و استقرار آن در کشور های جهان یک امر طبیعی بوده، چه امروز و چه هم فردا قسمی که از قرن هفدهم فئودالیسم توسط سرمایه داری در اروپا نابود گردید؛ بناءً ضریب پذیری فئودالیسم توسط امپریالیسم، یک امر طبیعی می باشد. مانند ظهور افتاب در روز روشن.

اعضای سازمان، از تسلیم طلبان به نظام سرمایه می پرسیدند که: در کشور همین اکنون، سرمایه داری به شکل طبیعی علیه فئودالیسم قرار نگرفته است، بلکه امپریالیسم توحش گستر آمریکا با فوج اشغالگر خویش بالای سرزمین ما به بهانه های کذائی هجوم آورده است و این موضوعی است آفتابی. این که سرمایه داری از لحاظ تاریخی چگونه به وجود آمده و فئودالیسم چگونه نابود می شود، همه مبتدیان علم سیاست انقلابی این را می دانند. تا جایی که معلومات ما اجازه می دهد، نظام سرمایه نه تنها در کشور های تحت سلطه ماقبل سرمایه داری؛ بلکه حتی در جریان انجام انقلاب سرمایه داری، بورژوازی فئودالیسم را کاملاً از بین نمی برد، بلکه تا حد مورد لزوم، به آن اجازه تداوم موجودیت می دهد و به قول مشهور "بورژوازی به خودش خیانت می کند".

سخنگوی بدنام تسلیم طلبان اظهار می داشت: که ما با کاربرد کلمه اشغال افغانستان توسط آمریکا و متحدان آن ها معتقد و موافق نبوده و آمدن آن ها را به افغانستان بنابر تفاهم مشترک شورای امنیت ملل متحد دانسته و از این رو آن را اشغال و تجاوز نمی دانیم. و از این که شما آن را اشغال می دانید، بناءً با طالبان و القاعده تفکر مشترک دارید. رفقای معتقد به خط بنیاد گذاران "ساما"، در تقابل با افکار بیان شده تسلیم طلبان اظهار می داشتند که شما با ارائه چنین افکار و ارائه سنتز خویش همانند اشغالگران و رژیم مزدور آن ها می اندیشید و با اشغالگران امریکائی فکر مشترک دارید. رفقای معتقد به خط سازمان به تشریح و توضیح ماهیت امپریالیسم از بدو پیدایش آن پرداخته و همدستی فئودالیسم و امپریالیسم خاصاً در کشور های عقب نگهداشته شده را توضیح می نمودند.

و اما سرباند تسلیم طلبان از تئوری «تج» امپریالیسم و فئودالیسم دفاع می نمود و نتیجه ای را که می گرفت، از بین رفتن قومندان سالاری و از هم پاشیدن تنظیم ها را توسط سوپر امپریالیسم آمریکا در نزدیکی ها اظهار می نمود. همچنان در ادامه سخنان خود می افزود که: اگر ارتش آمریکا نمی بود، مردم افغانستان تا ۵۰ سال دیگر تحت حاکمیت سیاه طالبان قرار می داشتند. رفقای معتقد به خط "ساما"، مبارزه علیه طالبان را حق و وظیفه مردم افغانستان دانسته، به وجود آمدن طالبان را یک پروژه نواستعماری در راستای اهداف امپریالیسم به منظور تسلط بر آسیای میانه و تهدید رقبایش مانند چین، روسیه، ایران و... می دانستند.

تسلیم طلبان بعد از چندین سال مبارزه و تلاش های شبانه روزی شان به خاطر مغشوش ساختن ذهن بعضی افراد ساده لوح نسبت عدم آگاهی از خط پایه ئی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"؛ به ساختن دو حزب سرکاری در چوکات رژیم مزدور و آله دست اشغالگران به نام های «حزب آزادیخواهان مردم افغانستان» و «حزب همبستگی ملی اقوام افغانستان» مبادرت ورزیدند. اکنون پس از ۱۶ سال خوش خدمتی به استعمار، در هژدهم جوزای سال ۱۳۹۶ توبه نامه اپورتونیستی را به نام «ساما» صدای آزادی و عدالت» به دست نشر سپرده و در این نوشته با اظهارات ضد و نقیص - مع الوصف تلاش مزورانه به خاطر اغوای دیگران - در واقع ماهیت تسلیم طلبانه خود را یک بار دیگر عیانتر نموده اند.

در صفحه ۸ این جفنگ نامه خویش نوشته است: "استقلالیت و خود ارادیت ملی ما پس از سقوط حاکمیت جبارانه و قرون وسطائی طالبان در کنفرانس بن المان دستخوش بازی های ، معاملات و تحرکات بین المللی شده و در غیاب اراده و نظر ملت افغانستان و نمایندگان واقعی آن ها ذبح گشته و لگد مال گردید".

تو گوئی ما، قبل و حین حکومت دار و تازیانه طالبان استقلالیت و خود ارادیت داشتیم که با آمدن و رفتن طالبان از بین رفته است. از طرف دیگر در کنفرانس بن و در غیاب مردم ما، اراده و نظر ملت افغانستان لگد مال گردیده است. اگر اظهار نظر فوق را با اظهارات قبلی شان که گویا: امپریالیسم آمده تا فئودالیسم را از بین ببرد، مقایسه کنیم؛ از زمین تا

آسمان تفاوت دارد. اما نویسنده در باره «معاملات و تحرکات بین المللی» در کنفرانس بن چیزی نمی گوید که این معاملات به خاطر چه اهدافی بوده است؟

طبیعی است که این دولت ها، دولت های بزرگ امپریالیستی بوده اند و هر دولت امپریالیستی هم در هر منطقه اهداف و خواست های استعماری خود را دارا می باشد. اما جالب است که آقای «تحلیل گر» قرن بیست و یکم از کاربرد کلمه امپریالیسم هراس دارد تا این که باعث خشم بادر و پادوان وطنی و رفقای کمپاین گر شان نشود و از جیره ماهوار آن ها کاسته نگردد. از همین رو است که بازی ها امپریالیستی را «تحرکات بین المللی» جا زده و از ذکر نام استعمار، ارتجاع و امپریالیسم طفره می رود. در واقع خودش به چنین طرز تلقی رسیده است. زیرا که در جای دیگر همین «اعلامیه» می گوید که این اصطلاحات قرن بیستمی است و به تاریخ پیوسته و مفهوم خود را با جهانی شدن سرمایه و دهکده شدن جهان از دست داده است.

وی در صفحه ۹ توبه نامه اش در ادامه چنین به نتیجه گیری پرداخته است: " نتایج و پس لرزه هایش تا کنون بر سرنوشت وطن و هم وطن ما به صورت درد انگیز مستولی بوده ، نه تنها به آزادی ، ثبات استقلال و توانائی ملموس قرین نگشتیم ، بل حضور و استقرار دوباره نیرو های بیگانه ، تمامی مقدرات سیاسی و حاکمیت ملی ما زیر سؤال رفته و در چنبره تصامیم و برنامه های بیرونی قرار دارد " .

این «درفشانی» او با اظهارات دیروز این تسلیم طلب - که آمدن ارتش اشغالگر امریکا را در افغانستان یک فرصت طلایی دانسته که می باید از آن استفاده اعظمی را نمود - در تناقض است. زیرا که وی می گفت که: باید سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" را (۹) متر به زیر زمین فرو ببریم و با کار دموکراتیک نهاد هائی را به وجود بیاوریم و با سائر نیروهای دموکراتیک از فضای سیاسی به وجود آمده استفاده لازم ببریم. از این که سازمان در طول چندین سال نتوانسته است از وضعیت پیش آمده سیاسی و نظامی استفاده لازم را ببرد و خود را مطرح نماید، از این رو سازمان مورد قبول جامعه بین المللی نمی باشد و نمی توانیم با نام سازمان خود را مطرح و از فضای به وجود آمده کنونی استفاده کنیم. از این رو بهتر خواهد بود که مبارزه خود را به نام دموکراتیک به پیش ببریم. باند تسلیم طلب فتنه، ارتش اشغالگر امریکا و متحدان آن را دیروز به نام نیرو های جامعه جهانی می گفت، ولی امروز آن را به نام «نیروی بیگانه» می نامند و با دیده درائی می گویند که حاکمیت ملی و مقدرات سیاسی ما زیر سؤال می رود و هم بیان می دارند که در چنبره برنامه های بیرونی قرار دارد. اما از آن چنبره و برنامه بیرونی ذکر نامی نمی برد. این را می گویند سرخیل شعبده بازان و شاه تسلیم طلبان و اپورتونیست عریان!

آقایان تسلیم طلب! شما که به آرایش اشغالگران (به ویژه امپریالیسم لجام گسیخته امریکا) یعنی قاتلان خلق دربند و بی دفاع و بی پناه ما با کرشمه های پتیارگان در طول این مدت مصروف بودید، فردای پیروزی خلق ما چه جوابی خواهید داشت و این ننگ تاریخی را با کدام پروئی و بی حیائی حمل خواهید کرد؟ نفرین بر شما!

همه اعضای "ساما" اظهارات دیروز و امروز شما را خوب به یاد دارند که چگونه با تفکر و عمل تان یک سازمان خوشنام و مطرح کشور را که با خون هزاران جانباز راه رهایی خلق آراسته گردیده است، می خواستید منفجر ساخته و توتیه های تشکیلات آن را به تفکر تسلیم طلبانه خود در بازار مکاره استعمار و ارتجاع هار به معرض فروش بگذارید. اما "ساما" کجا و خیال باطل شما کجا!

"ساما"ئی ها به یاد دارند که در اوائل اشغال سرزمین ما ، طرح ها و فیصله های تسلیم طلبانه شما در هنگام بحث و مناظره مورد انتقاد جدی و شدید رفقای خط اصولی سازمان قرار گرفته و از خط فکری "ساما" دفاع به عمل آمده

است و متعاقب آن اعضای سازمان، باند مرتد شما را به مثابه لکه ننگ از دامن پاک سازمان "ساما" به دور انداخته و راه خود را از شما تسلیم طلبان از همان آوان بروز اختلاف جدا ساخته اند. و بعداً مواضع انحرافی تان را در «جرگه» فریب، ریا و معامله (مورخ دلو ۱۳۸۹ ش) تحت نام کنفرانس، ابراز داشتید که سر تا پا بیان اراجیف بود. و به گفته یکتن از گردانندگان و همکاران ناراض از شما، یک نفر هم در میان این «جرگه» از علم سیاست چیزی را نمی فهمید: و تجمعی بود از لوکالیست ها و سکتاریست ها و... و قطعنامه جرگه بدان سبب به تصویب نرسید که شما از ذکر و کاربرد کلمه اشغال افغانستان توسط امریکا و متحدان آن مانند جن از بسم الله ترس داشتید. لذا از بیرون دادن - مشترک - آن سرپیچی نمودید. زیرا با گذشت زمان به تشنت هر چه بیشتر (باند سه نفره) شما افزوده گردید و بعد از تقلاء های بیش از حد به منظور جا افتادن تفکر تسلیم طلبانه خویش و فریب عده ای از افراد ساده لوح و دنباله رو، چهار جلسه متوالی را تدویر نمودید، همه این تحرکات به منظور مسخ فکری و ایدئولوژیک "ساما" و بی هویت نمودن آن بود. اما تلاش های انحلال طلبانه شما حاصل خوبی نداشت. و به خاطر غیرکارگری جلوه دادن برنامه "ساما" چه اظهارات عجیب و غریبی که ننمودید (مراجعه شود به نوشته ای تحت عنوان "انحراف"). در همان جلسه های شما روی هم رفته باز هم توسط دو تن از اشترک کنندگان، تشنت رسوائی شما از بام پائین افتاد و کار آغاز نموده تان بدون نتیجه ماند و از جلسه ها و ارائه مزخرفات دیگر شما یاد آور نمی شویم.

روی هم رفته اپورتونیست ها و تسلیم طلبان همیشه در اظهارات خود با دهان کشاده عوعو نموده اند و با ایماء و اشاره و با حاشیه رفتن های اپورتونیستی خواسته اند به گونه ای موضوعات را آرایش نموده و با لفاظی های بدون محتوا به فریب دیگران به نام "ساما" پردازند و با جمع آوری سیاهی لشکر از روی بازار، از آن جی اوها با همکاری چند تن دیگر پول در بیاورند و در ازای آن گزارش سازمانی انقلابی ای را که خصم امپریالیسم و ارتجاع است، به استعمار و ارتجاع ارائه بدارند.

سرباند تسلیم طلبان در ادامه می افزاید: "حضور قوای نظامی تحت نام اتحاد بین المللی برای مبارزه با تروریسم مرکب از قدرتمندترین های جهان، طی پانزده سال این پرسش را به وجود می آورد که چرا بر دامنه و قدرت تروریسم افزوده شده و از استقرار یک نظام قوی دموکراتیک، تحقق دموکراسی و توسعه خیری نیست! به صورت عادی دو تا پاسخ وجود دارد: ۱ - نتوانستن؛ ۲ - نخواستن".

یک خائن، از قاتلان ملت ما - امپریالیسم شرارت پیشه امریکا و متحدان - گله و شکایت دوستانه دارد که چرا در افغانستان از یک نظام قوی دموکراتیک خیری نیست. اگر باز هم کسانی پیدا شوند و این وطن فروشان را رفقای مجید و "ساما" بگویند، یا احمق استند و یا هم افراد دشمن. تو گویی که همه اعضای سازمان حافظه خود را از دست داده باشند و از این آقای ابن الوقت هیچ چیزی نشنیده باشند. آن اظهارات دیروزی که می گفتند: جامعه با آمدن امپریالیسم به طرف مدرنیسم و دموکراسی می رود و ما باید در آن شرکت نماییم. حال از باداران خود شکایت دارند که چرا بر قدرت تروریسم افزوده شده است و از امپریالیسم اشغالگر امریکا و متحدان توحش گستر آن که همه عامل ویرانی و قاتل مردم مظلوم ما اند، توقع استقرار یک نظام قوی دموکراتیک و تحقق دموکراسی و توسعه را نیز دارند.

روایت شده است که زمانی تنی چند از یاران زنده یاد "مجید" نزدش می آیند و از یک فرد نامد و تواب که به تازگی ها ترک سنگر مبارزه نموده بود، گزارش می دهند. رفیق "مجید" در جواب آن ها می گوید: دعا کنید که خدا روشنفکر را خراب نسازد، و اگر روشنفکر خراب گردد، دست صد شیطان را از عقب می بندد. و در ادامه افزوده بود: "یکی مرگ رفیق را نبینم، یکی نامردی اش را!"

ما به وضاحت می بینیم که تسلیم طلبان مرتد با سوء استفاده از نام "مجید" و "ساما" از اشغال سرزمین ما تحت نام قوای نظامی و اتحاد بین المللی یادآور می شوند. آن مجید که ندای سلحشورانه و مبارزه جویانه می زد: **"بریده باد زبانی که در برابر تجاوز امپریالیسم خاموش بماند!"** و شعار "یا مرگ یا میهن" می داد؛ کجا، و این دون همتان بی شرم کجا! که از نام و راه آن زنده یاد سوء استفاده نموده و می خواهند که راه و اندیشه اش را به لجن بکشاند و به عوض آن، دستگاه های امپریالیسم اشاگر و قاتل توده های زحمتکش افغان را در قبال جیفه دنیا آرایش کنند.

«"ساما" صدای آزادی و عدالت» نویسان کسانی هستند که خویشاوندان و حواریون خود را به کمپاین اشرف غنی روان نموده و خود شان از صبح تا شام پادوی، ثنا و صفت یک خائن ملی را نشخوار نموده و به ولایات مختلف می رفتند و دفتر انتخاباتی به جانبداری از اشرف غنی باز می کردند. و حتا این بی مسلکان بی شرم می گفتند که عکس جوانی های مجید آغا و اشرف غنی نزد ما است که این ها با هم رفیق بوده اند!!

در شگفتم زین شعبده بازی مضحک! بحق که این شعبده بازان هرزه دست شیطان را از عقب بسته اند. اما در پیامد این همه جانفشانی ها، دویدن ها، تبلیغ نمودن ها چی حاصل؟ حتی یک نفر از این تسلیم طلبان هرزه و دون صفت را اشرف غنی و باداران اشغالگرش به صفت ولسوال و یا رئیس ناحیه شاروالی هم مقرر نکردند. اکنون آن "ساما" را که می خواستند در این مدت شانزده سال نه متر زیر زمین ببرند، دو باره برای سوء استفاده از نام آن و مغشوش ساختن عده ای ساده لوح و از جهان بی خبر، توبه نامه ای را برایش سیاه نموده اند تا باز از این فتنه گری ها سود ببرند و "کیسه های پول" را تصاحب نمایند.

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" با یک تفکر پیشرو ضد استعماری و ضد ارتجاعی آراسته و عیار گردیده و در راه تحقق آرمانش تعداد کثیری از بنیاد گذاران و کادر های ورزیده خود را به پیشگاه خلق زحمتکش و ستمدیده خویش قربان نموده است. حال آن که سرباند تسلیم طلبان بعد از چندین سال گشت و گذار و چرش در چراگاه های استعماری از باداران دُزخیم خود که جهان را هم اکنون به خون مظلومان رنگین نموده اند، توقع دموکراسی و توسعه را دارد. ببینید که تفاوت "سامائی" و ضد "سامائی"، از کجا تا به کجا است!

حیرت آور است که از آن هائی که سرزمین ما را به اشغال کشیده اند و هر روز مردم ما را به عناوین مختلف به قتل می رسانند خانه و کاشانه مردم را به تل خاکستر تبدیل می کنند و با تحمیل بیکاری، فقر، مهاجرت اجباری، ناامنی، فساد و دیگرستم ها، مردم ما را به ستوه آورده اند؛ تسلیم طلبان وطن فروش از کسانی که مادر وطن ما را به اسارت کشانیده اند، بیشرمانه آرزوی دموکراسی خواهی دارند.

هرزه گوی تسلیم طلب از اشغالگران و قاتلان مردم ما نابخردانه نظام دموکراتیک را می خواهد. بی عزتی و بی غیرتی هم اندازه ای دارد! این فرد را می توان به جای ببرک کارمل گرفت، اما افسوس و هزاران افسوس که این مرتد معلوم الحال و خودفروخته اراجیف خود را از آدرس "ساما" بیرون داده است و غرض وی به کجراه کشانیدن خط سیاسی "ساما" و بی سر و سامان ساختن و انحلال تشکیلات آن می باشد. چون دشمن در اثر تجارب جهانی این را دریافته است که جنبش های انقلابی را تا وقتی که از درون مسخ و نابود نسازد، از خارج ضربت زدن به آن مشکل خواهد بود.

شبکه های استعماری و جاسوسی این را می دانند که برای ضربت وارد ساختن به یک جریان روشنفکری و انقلابی باید توسط روشنفکر نماهای وابسته به استعمار به منظور تخریب آن از داخل آن جریان کار گرفت. بناءً تلاش دارند تا عده ای از افراد وابسته خویش را به منظور منفجر ساختن سازمان های انقلابی به داخل سازمان های پیشتاز انقلابی تعبیه و در زمان مناسب جریان متذکره را سرکوب، نابود و منهدم سازند. از این رو بر اعضای سازمان ها و احزاب

انقلابی است که خود را برای شناسایی وجود احتمالی افراد دشمن در سلول های مربوطه خویش با استفاده از تجارب علمی و انقلابی مجهز سازند تا به مجرد بروز افکار و اندیشه های انحرافی و تسلیم طلبانه در میان اعضای سازمان های انقلابی، زهر آن را توسط پاد زهر انقلابی و ضد استعماری نابود و بی اثر نمایند.

در تقابل با افکار و نظریات تسلیم طلبان در اوائل اشغال کشور ما (در ماه ثور ۱۳۸۲) سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" طی اعلامیه ای به نام " زمامداران امریکائی در افغانستان باد کشتند ، طوفان درو خواهند کرد"، افکار و برداشت های فکری خود را پیرامون اوضاع همان زمان در تقابل و رد نظریات تسلیم طلبان چنین ابراز نموده بودند: «امپریالیسم امریکا بنا بر اهداف دراز مدت خویش، مزدوران آزموده و پرورش یافته خود را با جمعی از اوباش تنظیمی، تحت نام حکومت موقت و انتقالی، با تسلیحات نظامی و حضور مستقیم خویش به عنوان " مبارزه علیه تروریسم " در سرزمین ما افغانستان مستقر گردانیده است و کشور ما را به مستعمره مقهور خود مبدل ساخته است.

ادامه دارد